

درس پنجم | تشکیل خانواده



تعریف واژه خانه در فرهنگ لغت، "محل زندگی یک خانواده" است. اما معیار خدا برای خانواده‌ای ایده‌آل بسیار فراتر از محدودیت‌ها و مرزبندی‌ها است. خانواده متشکل از افرادی است که به خدا و یکدیگر اهمیت می‌دهند؛ افرادی که دعا و تلاش می‌کنند تا خانواده‌ای مطابق با الگوی خدا ایجاد کنند.

هنگامی که دو نفر زندگی مشترک خود را به عنوان زن و شوهر آغاز می‌کنند، خیلی زود متوجه می‌شوند که باید تغییرات زیادی ایجاد کنند. چرا که هر یک از آنها دارای شخصیت منحصر به فردی (با رؤیاهای، آرزوها، رنجش‌ها و نیازها) هستند، و تفاوت‌های فردی آنها با برگزاری مراسم ازدواج از بین نمی‌رود.

در این درس، با نوعی از خانواده آشنا می‌شویم که هدف از خانواده بودن را نشان می‌دهد. همچنین به تفاوت‌هایی که زوج متأهل با آن مواجه می‌شوند و راه حل این مشکلات می‌پردازیم.

زوجی که این حقیقت را که «اگر خداوند خانه را بنا نکند، بنیانش زحمت بیهوده می‌کشند» (مزامیر ۱:۱۲۷)، درک کرده باشند، و هدفشان بنای خانه‌ای است که خدا را جلال دهد، پاداششان بی‌اندازه خواهد بود.

سرفصل‌ها

- A. اهمیت خانواده
- B. سازگاری‌های ضروری
- C. خانواده مسیحی و غیرمسیحی

اهداف این درس

۱. برخی از سازگاری‌هایی که زوج تازه ازدواج کرده، باید انجام دهند و راه‌های پیشنهادی برای کمک به آن‌ها را بررسی کنید
۲. توضیح دهید که چگونه خانواده پناهگاهی برای تقویت رابطه زناشویی و همین‌طور محل امنی برای ساختن آینده خانواده است
۳. با ذکر دلایلی توضیح دهید که چرا فرزندان به خانواده‌ای باثبات مطابق با معیارهای خدا نیاز دارند
۴. درباره تفاوت‌های بین خانواده مسیحی و غیرمسیحی گفت‌وگو کنید

A. اهمیت خانواده

مفهوم خانواده

هدف اول: برخی از سازگاری‌هایی که زوج تازه ازدواج کرده، باید انجام دهند و راه‌های پیشنهادی برای کمک به آن‌ها را بررسی کنید

یک ساختمان خالی، خانه نیست. خانه جایی است که خانواده در آن زندگی می‌کند. هنگامی که خدا برای اولین بار الگوی زندگی خانوادگی را تعیین کرد، مکان خاصی را به عنوان خانه به آدم و حوا داد؛ باغی زیبا، که آدم در آن کشاورزی می‌کرد و از آن نگهداری می‌نمود. خدا هنوز هم می‌خواهد که هر خانواده، خانه‌ای داشته باشد که همه اعضای آن

بتوانند به عنوان یک واحد با یکدیگر زندگی کنند. نویسندہ‌ای گفته:

«خانواده شبیه یک دولت کوچک است. پدر رئیس جمهور و مادر معاون رئیس جمهور است. آنها در اداره خانه به یکدیگر کمک می‌کنند. قوانین خوبی وضع می‌کنند تا فرزندان مکانی آرام برای زندگی داشته باشند. این قوانین به فرزندان می‌آموزد که با نظم زندگی کنند و مطیع باشند.

اگر فرزندان یاد بگیرند که از والدین خود در خانه اطاعت کنند، بعدها از معلمان مدرسه، شبانان و قوانین کشورشان نیز، اطاعت خواهند کرد.

یک خانه برای اینکه مکانی شاد و آرام باشد و اعضای خانواده همگی خدا را دوست داشته و از کنار هم بودن لذت ببرند، نیاز نیست که تجملاتی و گران قیمت باشد. این رابطه بین آنها است که بیشترین اهمیت را دارد. اگر آنها بخواهند رابطه خوبی با یکدیگر داشته باشند، باید با هم وقت بگذرانند. خانه مکانی فراتر از جایی برای خوردن و خوابیدن است. از آنجا که این روابط بخش مهمی از یک خانه است، اغلب از واژه خانه به معنای "خانواده" استفاده می‌کنیم.

پرسش‌های کاربردی

۱. کلمه یا عبارتی که خانه‌ای شاد را به بهترین وجه توصیف می‌کند، علامت بزنید.

(a) روابط خوب خانوادگی

(b) آرامش

(c) وسایل گران قیمت

(d) محبت به خدا

(e) جایی برای خوردن و خوابیدن

(f) انجام دادن کارها با هم

۲. با در نظر گرفتن اینکه خانه مکانی است که فرزندان اطاعت را در آن می‌آموزند، این موضوع چگونه در آینده به آنها کمک می‌کند؟

.....

.....

اهمیت خانواده برای زن و شوهر

هدف دوم: توضیح دهید که چگونه خانواده پناهگاهی برای تقویت رابطه زناشویی و همین‌طور محل امنی برای ساختن آینده خانواده است

یکی از برنامه‌های خدا برای شادی انسان، تشکیل خانواده بود. زن و شوهر باید در غم و شادی، کار و تفریح، مشکلات و موفقیت‌ها شریک باشند. خانواده مدرسه‌ای برای والدین و همچنین برای فرزندان است، جایی که می‌توانند صبر، درک و توجه به دیگران را بیاموزند.

خانه، جایی است که از فشارها و مشکلات روزمره زندگی به آن پناه می‌بریم. محبت، آرامش و حضور خدا در خانواده مسیحی، زن و شوهر را برای مسئولیت‌های خارج از خانه‌شان قوت می‌بخشد.

یکی از وظایف اصلی خانواده، آمادگی برای تولد و رشد فرزندان است. مسئولیت‌های مشترک والدین، بین زن و شوهری که به دنبال هدایت روزانه خدا در زندگی‌شان هستند، رابطه صمیمانه‌ای ایجاد می‌کند. فرزندان در خانواده می‌توانند شادی و رضایت زیادی را به ارمغان بیاورند، زیرا «فرزندان، میراثی از جانب خداوندند، و ثمره رحم، پاداشی از سوی او» (مزمور ۱۲۷: ۳).

این بدان معنا نیست که خدا برکت خود را از زوج بدون فرزند دریغ می‌کند. کتاب مقدس به مردی که همسرش نازا است این حق را نمی‌دهد که او را ترک یا رها کند و یا با زنی دیگر ازدواج کند. همچنین کتاب مقدس به زن هم این حق را نمی‌دهد که شوهرش را به دلیل

اینکه قادر نیست به او فرزندی بدهد، ترک کند. دلیل آن هر چه که هست، خدا از خواسته شما برای بچه‌دار شدن آگاه است و شما را نیز در این نگرانی هدایت می‌کند. ابراهیم و سارا را به یاد آورید (پیدایش ۲۰-۲۱).

کتاب مقدس نمونه‌هایی از زوج‌های بی‌فرزند و چگونگی پاسخ خدا به دعا‌های آن‌ها را مطرح می‌کند. برای نمونه، ذکریای کاهن در معبد بود که فرشته خداوند بر او ظاهر شد و به او گفت که دعای او شنیده شده و الیزابت پسری به دنیا خواهد آورد (لوقا ۱: ۱۳). حنا برای داشتن پسری دعا کرد و خدا سموئیل را به او داد، که رهبری نیرومند در اسرائیل شد (اول سموئیل ۱: ۱۱-۱۳). امروزه نیز، بسیاری از زوج‌هایی که بچه‌دار نمی‌شوند، کودکی را به فرزندی می‌پذیرند و خدا به آنها برکت می‌دهد تا خانه‌ای برای این بچه‌های کوچک فراهم کنند و بدین ترتیب محبتی عمیق و پایدار میان فرزندان و پدر و مادر خوانده آنها ایجاد می‌شود که خوشی عظیمی را برای یکدیگر به ارمغان می‌آورند.

«کیست مانند یهوه خدای ما،..... زن نازاد را خانواده‌دار می‌سازد، مادر شادمان فرزندان. هلولیا!» (مزمور ۱۱۳: ۵ و ۹).

پرسش‌های کاربردی

۳. آیا خانه شما، پناهگاهی آرام به دوران تنش‌های دنیای خارج است؟ در غیر این صورت، چه کار می‌توانید برای آرام ساختن آن انجام دهید؟ برای پاسخ خود از دفترچه‌تان استفاده کنید.

۴. یکی از وظایف اصلی خانواده چیست؟

.....

.....

۵. دو نفر را در کتاب مقدس نام ببرید که خدا به دعا‌های آنها برای
بچه‌دار شدن پاسخ داد.

.....

.....

اهمیت خانواده برای فرزندان

هدف سوم: با ذکر دلایلی توضیح دهید که چرا فرزندان به خانواده‌ای
باثبات مطابق با معیارهای خدا نیاز دارند

خانواده برای فرزندان بسیار مهم است، زیرا آنها به محبت، توجه،
شادی و حمایت خانواده مسیحی نیاز دارند. آموزشی که در خانواده
دریافت می‌کنند نه تنها شخصیت آنها را شکل می‌دهد، بلکه بر
نگرش کلی آنها در زندگی تأثیر می‌گذارد. فرزندان در مواجهه با خطرات،
مشکلات و سرخوردگی‌ها به خانواده‌ای امن نیاز دارند. در آنجا والدینی
هستند که آنها را درک می‌کنند، دوستشان دارند و از آنها مراقبت می‌کنند.
بنابراین فرزندان متعلق به آنجا هستند.

احساس امنیت به فرزند کمک می‌کند تا شخصیت سازگار خوبی
داشته باشد. همان‌طور که خورد و خوراک برای سلامتی جسمی و رشد
فرزند مهم است، به همان اندازه محبت خانواده برای سلامتی و شادی
او در تمام طول عمر اهمیت دارد.

می‌توانیم خانواده را با مدرسه مقایسه کنیم. والدین، معلم‌ها
و بچه‌ها، دانش‌آموزان هستند. والدین با کلمات و الگوهای رفتاری
خود آموزش می‌دهند. زن و شوهری که در مقابل فرزندانشان، زندگی
خداپسندانه‌ای دارند، از اینکه فرزندان از آنها پیروی کنند، هراسی ندارند.
متأسفانه، والدین بسیاری هستند که زندگی خداپسندانه‌ای ندارند و
فرزندانشان از الگوی زندگی آنها پیروی می‌کنند. کتاب مقدس نمونه‌هایی

از والدین را به ما نشان می‌دهد که زندگی خداپسندانه دارند و همین‌طور
 آنهایی که زندگی خداپسندانه ندارند.

دوم پادشاهان ۲۱:۲۰-۲۱ می‌گوید: «آمون آنچه را که در نظر خداوند
 بد بود به جا آورد، چنانکه پدرش مَنسی کرده بود. او تمامی راه‌های
 پدرش را در پیش گرفت و بت‌های بی‌ارزشی را که پدرش می‌پرستید،
 عبادت کرده، آنها را سجده می‌نمود.» از طرفی دیگر، یهوشافاط، پادشاه
 نیکویی بود که از همان اوایل زندگی تحت‌تأثیر والدین خداپرست خود
 بود.

«خداوند با یهوشافاط بود، زیرا او در راه‌های نخستین پدرش
 داوود سلوک می‌کرد و در طلب بَعْل‌ها نبود، بلکه خدای پدرش را
 می‌طلبید و در فرامین او سلوک می‌کرد و نه بر وفق اعمالِ اسرائیل»
 (دوم تواریخ ۱۷:۳-۴).

وقتی تشکیل خانواده می‌دهید، هرگز فراموش نکنید که والدین،
 بیشترین تأثیر را در درست و غلط بودن زندگی فرزندان‌شان می‌گذارند.
 شخصیت و عادت‌های باقی عمر فرزند شما، در چند سال اول زندگی
 شکل می‌گیرد. تأثیر زندگی غیرخداپسندانه والدین این است که احتمال
 شناخت خدا برای فرزندان را کاهش می‌دهد. در واقع، ممکن است
 آنها از خدا بسیار فاصله بگیرند. اما در خانواده خداترس، که با محبت و
 نظم اداره می‌شود، فرزندان درس‌های روحانی‌ای را یاد می‌گیرند که هرگز
 فراموش نمی‌کنند. آنها خداترسی، درستکاری و صداقت را یاد می‌گیرند
 تا بتوانند باعث برکت جهان باشند. به همین دلیل، امثال سلیمان ۶:۲۲
 توصیه می‌کند که: «جوان را در رفتن به راهی که در خور اوست تربیت
 کن، که تا پیری هم از آن منحرف نخواهد شد.»

پرسش‌های کاربردی

۶. خانواده‌ای را توصیف کنید که به فرزندان کمک می‌کند تا شخصیتی سازگار داشته باشند؟

.....

۷. والدین به فرزندان خود با و با
 تعلیم می‌دهند.

۸. چگونه خانواده بر شخصیت فرزندان تأثیر می‌گذارد؟

.....

اهمیت خانواده برای جامعه

می‌توان گفت یک جامعه برای شکل‌گیری به وجود خانواده‌های آن بستگی دارد؛ یعنی، اعضای خانواده، تشکیل دهنده جامعه هستند. یک خانواده خوب به فرزندان آموزش می‌دهد که باید با اعضای جامعه به خوبی کنار آیند.

خانواده نشان‌دهنده نوع افراد یک جامعه است. وقتی بچه‌ها متولد می‌شوند، اولین ارتباط آنها با سایر اعضای خانواده است. شخصیت فرزندان در خانواده شکل می‌گیرد و عاداتها بوجود می‌آید و یاد می‌گیرند که چطور با دیگران رفتار کنند. فرزندان از طریق آموزش مناسب، عادات‌های خوب، احساس مسئولیت، محبت، وفاداری و احترام به حقوق دیگران را یاد می‌گیرند. بیشتر مواردی که فرزندان در جامعه کوچک خانواده یاد می‌گیرند، در تمام طول زندگی خود در جوامع بزرگتر به کار می‌بندند.

پرسش‌های کاربردی

۹. بیشتر از هر چیز، کدام مورد مشخص می‌کند که ما به چه نوع شخصیتی در جامعه تبدیل می‌شویم؟

B. سازگاری‌های ضروری

روابط زن و شوهر

شاید یک فرد مجرد هرگز با سازگاری‌های بیشتر و متنوع که در ازدواج است، روبه‌رو نشود. این رابطه منحصر به فرد ایجاب می‌کند که مرد و زن با مسیر کاملاً جدید زندگی سازگار شوند.

خدا نیاز مرد برای داشتن همدم را درک کرد و به همین دلیل، خانواده را مقرر فرمود. در باغ عدن، «یهوه خدا فرمود: نیکو نیست که آدم تنها باشد، پس یآوری مناسب برای او می‌سازم» (پیدایش ۲: ۱۸). بعدها، در امثال سلیمان ۲۲: ۱۸ یاد می‌گیریم که «مردی که همسری بیابد، چیز نیکو یافته و خشنودی خداوند را به دست آورده است». با این حال، بسیاری از افراد با یکدیگر عهد ازدواج می‌بندند، بدون اینکه اول مسئولیت جدی چنین تعهدی را در نظر بگیرند.

دو فردی که خود را بالغ می‌دانند، وقتی ازدواج می‌کنند تازه متوجه می‌شوند که هنوز برای انجام خیلی از کارها باید بزرگتر شوند. اشتباهاتی که تا قبل از این قادر به دیدنشان نبودند، به تدریج خود را نشان می‌دهد. بنابراین، ساختن یک ازدواج، کاری مدام‌العمر است و در چند دقیقه‌ای که مراسم عروسی برگزار می‌شود، کامل نمی‌شود. هر چه بیشتر مرد و زن از مسئولیت‌ها و وظایف ازدواج شناخت بیشتری داشته باشند، آمادگی بهتری برای سازگاری‌های ضروری خواهند داشت.

طبیعتاً اختلاف نظرهایی وجود خواهد داشت و هیچ زن و شوهری نباید انتظار داشته باشند که همیشه طرف مقابل کوتاه بیاید. بلکه باید

درباره مشکلات خود صحبت کنند و برای یک راه حل به توافق برسند. سازگاری در ازدواج به صداقت، صبر، حکمت و از خودگذشتگی تمام و کمال هر دو طرف نیاز دارد.

گاهی اوقات گذشتن از برنامه‌ها و خواسته‌ها، برای یکی از زوجها دشوار است، اما محبت، سازگاری را ممکن می‌کند که مهم‌ترین بخش ازدواج است و برای خانواده‌ای شاد ضروری است!

پرسش‌های کاربردی

۱۰. یکی از اهداف اصلی خانواده چیست؟

.....

۱۱. شخصی که عادت کرده فقط به خودش فکر کند، هنگام شروع زندگی مشترک از چه طریق می‌تواند تغییر کند؟

.....

۱۲. بزرگسالانی که برخی از مسئولیت‌ها و وظایف ازدواج را می‌شناسند، ...

(a) به راحتی در ازدواج سازگار می‌شوند.

(b) برای برقراری سازگاری‌های ضروری در ازدواج آمادگی بهتری خواهند داشت.

(c) بیشتر از دیگران با مشکلات برقراری سازگاری‌های لازم برای ازدواج روبه رو می‌شوند.

رابطه با والدین

مشکل دیگری که اکثراً پدید می‌آید، رابطه با والدین است. ازدواج نباید از احترام و محبتی که زوجها به والدین خود دارند بکاهد. بدین معنی که زن و شوهر نباید رابطه نزدیکی که با والدین خود داشتند را

درحین بزرگ شدن فرزندانشان، ازدست بدهند. اکنون که آنها در حال تشکیل خانواده خود هستند، مهم‌ترین رابطه، ارتباط میان خودشان است. «از همین‌رو، مرد، پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خود خواهد پیوست» (مرقس ۷:۱۰).

والدین گاهی اوقات فراموش می‌کنند که فرزندان متأهل آنها، اکنون بزرگ شده‌اند و حق دارند زندگی خود را اداره کنند. اگر جوانان از والدینشان نصیحتی بخواهند، آنها می‌توانند توصیه‌های ارزنده‌ای برایشان داشته باشند، اما نباید در مورد نحوه اداره خانواده‌شان، چیزی به آنها دیکته کنند. حتی هنگام دریافت مشاوره، زن و شوهر باید بدانند که رابطه آنها با یکدیگر، نسبت به مسئولیت آنها به والدینشان در اولویت است.

زن نباید در صورت بروز هر مشکلی بین خود و شوهرش، به سرعت نزد پدر و مادر خود برود. این حق او است که گهگاه به والدین خود سر بزند، اما باید به خاطر داشته باشد که خانه او دیگر در کنار آنها نیست، بلکه در کنار همسرش است و نباید به مدت طولانی از شوهر خود دور بماند. آنها به یکدیگر نیاز دارند و جدایی طولانی می‌تواند ازدواج آنها را متزلزل کند و باعث لغزش هر یک از آنها در زندگی شود. همچنین شوهر نیز نباید برای حمایت عاطفی یا حمایت‌های دیگر به والدین خود تکیه کند.

پرسش‌های کاربردی

۱۳. جملات درست را علامت بزنید. وقتی دو شخص بالغ ازدواج می‌کنند،

- a) دیگر نیاز به توصیه و مشورت از طرف والدین خود ندارند.
- b) با وجود اینکه می‌دانند رابطه آنها با والدینشان تغییر کرده است، اما همچنان به محبت کردن و احترام گذاشتن به آنها ادامه می‌دهند.

- (c) باید مسئولیت اداره خانواده خود را بپذیرند.
- (d) باید مانند افراد بالغ رفتار کنند و با تمامی اختلافاتشان پیش والدین خود نروند.

اهمیت مسائل مالی

موضوعی که اغلب باعث مشاجره می‌شود، پول است. خوب است که زن و شوهر درباره همه مسائل مالی صحبت کنند. ممکن است شوهر جوان درآمد زیادی نداشته باشد، بنابراین همسرش باید با به هر طریق که می‌تواند با پس‌انداز کردن به او کمک کند. اینکه زنی متأهل است، به این معنی نیست که می‌تواند از شوهرش خواسته‌های غیرمنطقی داشته باشد و اگر شوهرش نتواند چیزهای جدیدی که او می‌خواهد را فراهم کند، به او گله کند. اگر آنها مجبور هستند از برخی از دوستان و همسایگان خود، ساده‌تر زندگی کنند، نباید باعث ناراحتی‌شان شود، بلکه برای آنها چالشی است که خانواده خود را با همه آنچه که دارند، تا حد ممکن خوشحال و جذاب کنند.

البته، شوهر نباید از همسرش انتظار داشته باشد تا خانه را بدون پول اداره کند، یا مایحتاج خانواده را تأمین کند. زن ممکن است که در هزینه‌ها کمک کند، اما این وظیفه شوهر است که به عنوان سر خانواده، نیازهای خانواده‌اش را تأمین نماید.

«اگر کسی در پی تأمین معاش خویشان و بخصوص خانواده خود نباشد، منکر ایمان است و پست‌تر از بی‌ایمان» (اول تیموتائوس ۵: ۸).

پرسش‌های کاربردی

۱۴. حداقل چهار مورد را که در ازدواج منجر به مشاجره درباره پول می‌شود، در دفترچه یادداشت خود بنویسید؟

.....

۱۵. بر طبق اول تیموتائوس ۸:۵، کتاب مقدس در مورد مردی که نیازهای خانواده خود را تأمین نمی‌کند، چه می‌گوید؟

C. خانواده‌های مسیحی و غیرمسیحی

هدف چهارم: درباره تفاوت‌های بین خانواده مسیحی و غیرمسیحی گفت‌وگو کنید

خانواده غیرمسیحی

بسیاری از خانواده‌ها از آنچه که خدا از آنها انتظار دارد، فاصله زیادی دارند. گناه، اولین خانواده را از هم پاشید. آدم و حوا از خدا اطاعت نکردند، و این سبب شد که حسادت، مشاجره و قتل، جای شادی و محبت را در خانواده آنها بگیرد.

خانواده‌هایی هستند که از بسیاری جهات به یک خانواده مسیحی ایده‌آل شباهت دارند. اعضای این خانواده‌ها، به قوانین کشور احترام گذاشته و از آن تبعیت می‌کنند و به یکدیگر اهمیت می‌دهند. شوهران مایحتاج خانواده خود را تأمین می‌کنند، همسایه‌های خوبی هستند، به فقرا و نیازمندان کمک می‌کنند و بسیاری از آنها عضو کلیسا هستند. اما لازمه حیاتی و اصلی در آن وجود ندارد. آن‌ها هرگز اقرار نکرده‌اند که گناهکارند و هرگز مسیح را به زندگی و خانواده خود دعوت نکرده‌اند.

آنان مانند کلیسایی هستند که فرشته به آنها گفت: «می‌گویی: دولتمندم، مال اندوخته‌ام و به چیزی محتاج نیستم. و غافلی که تیره‌بخت و اسفانگیز و مستمند و کور و عریانی» (مکاشفه ۱۷:۳). این توصیف برای هر کس که نیاز به خدا را تشخیص نمی‌دهد، کاربرد دارد. سپس وقتی که بسیاری از دردها و مشکلات زندگی آنها را تحت فشار قرار می‌دهد، حضور مسیح آرامش و کمک او برای عبور از این مشکلات

را ندارند.

خانواده‌های غیرمسیحی دیگری نیز وجود دارند که زن و شوهر، درآمد خود را در قمار، مواد مخدر، دخانیات و مشروبات الکلی به هدر می‌دهند. بعضی‌ها چنان برده عادت‌های خود می‌شوند که تمام حقوق خود را در یک شب در میخانه‌ها خرج می‌کنند! تا جایی که دیگر مبلغی برای خرید غذا برای خانواده‌شان باقی نمی‌ماند. مشاجره‌ها به دلیل حسادت و نفرت به وجود می‌آید. به کاربردن ادبیات نامناسب و حرف‌های توهین‌آمیز، ذهن بچه‌های خانواده را خراب می‌کند و باعث می‌شود در سنین پایین، با خشونت، جرم و مسایل غیراخلاقی آشنا شوند. انجام انواع فلسفه‌های عرفانی، احضار روح، جادوگری و سایر کارهای غیبی، که اعضای برخی از خانواده‌های غیرمسیحی در آن شرکت می‌کنند، بر غم، ترس و گرفتاری موجود در آنجا می‌افزاید.

پرسش‌های کاربردی

۱۶. کامل‌ترین جمله را علامت بزنید. مکاشفه ۱۷:۳ از افرادی صحبت می‌کند که «تیره‌بخت، اسف‌انگیز، مستمند و کور و عریان» هستند و تصویری از

- (a) تمام افرادی است که نیاز خود به خدا را تشخیص نمی‌دهند.
- (b) خانواده‌هایی است که پول خود را صرف مشروبات الکلی و مواد مخدر کردند و قادر به تأمین مایحتاج زندگی خود نیستند.
- (c) افرادی است که خانواده‌های محترم و سالمی دارند، اما عضو کلیسا نیستند.

خانواده مسیحی

خانواده ایده‌آل مسیحی، مملو از محبت مسیح است و او را به عنوان اقتدار برتر، می‌شناسد. اعضای این خانواده، خدا را صرفاً در روزهای

یکشنبه به یاد نمی‌آورند، بلکه آموخته‌اند که هر روزه او را اطاعت و تکریم کنند. وقتی زوجی تشکیل خانواده می‌دهند و مسیح را در زندگی خود می‌پذیرند و دعا می‌کنند و هدایت او را می‌طلبند، خدا خشنود می‌شود. اما یک خانواده مسیحی حقیقی صرفاً به دلیل اینکه افرادی مسیحی هستند به طور اتفاقی یا خودکار بوجود نمی‌آید، بلکه باید برای آن تلاش کنند.

یکی از راه‌هایی که می‌توانند این کار را انجام دهند، پرستش خانوادگی است. قبل از تشکیل کلیساها، خدا به پدران تعلیم داد که باید خانواده خود را در پرستش رهبری کنند. بدین معنی که مرد باید، کاهن خانواده خود باشد. برقراری پرستش خانوادگی نیز باید جزو مسئولیت‌های پدر باشد. وقتی والدین و فرزندان کتاب مقدس را می‌خوانند و مرتباً با هم دعا می‌کنند، در خداوند و درک و محبت به یکدیگر رشد می‌کنند که برخی این وقت را، "مذبح خانوادگی" یا "پرستش خانوادگی" می‌نامند که بخش بسیار مهمی در تربیت کودک است.

زن و شوهری که ازدواج خود را با پرستش خانوادگی آغاز می‌کنند و آن را وفادارانه انجام می‌دهند، زندگی خود را غنی و برکت یافته می‌یابند و همچنین وقتی به کمک خدا اعتماد می‌کنند، بهتر می‌توانند مشکلاتی که پیش می‌آید را حل کنند. بهتر است زمانی را برای پرستش خانوادگی تعیین کنند تا با فعالیت‌های دیگر تداخل نداشته باشد، مثلاً قبل از اینکه شوهر به محل کار خود برود یا در پایان روز. یکی دیگر از بخش‌های پرستش در خانواده، شکرگذاری از خدا، قبل از هر وعده غذایی است.

خانواده‌هایی که هدفشان این است که خدا را در خانه‌های خود تکریم کنند، از برکت خدا بهره‌مند شده و در محبت و درک نسبت به یکدیگر رشد می‌کنند. بیایید با هم به نسخه تفسیری کتاب مقدس نگاهی بیاندازیم و ببینیم درباره محبت فروتنانه که از ویژگی‌های خانواده ایده‌آل مسیحی است، چه می‌گویید:

«محبت بردبار و مهربان است، محبت حسد نمی‌برد، محبت فخر نمی‌فروشد و کبر و غرور ندارد. رفتار ناشایست ندارد و نفع خود را نمی‌جوید، به آسانی خشمگین نمی‌شود و کینه به دل نمی‌گیرد. محبت از بدی مسرور نمی‌شود، اما با حقیقت شادی می‌کند. محبت با همه چیز مدارا می‌کند، همواره ایمان دارد، همیشه امیدوار است و در همه حال پایداری می‌کند» (اول قرنتیان ۱۳: ۴-۷).

پرسش‌های کاربردی

۱۷. کسی که باید به عنوان قدرت برتر در خانواده مسیحی شناخته شود، است.

۱۸. قبل از تشکیل کلیساها، خدا چه مسئولیتی به پدران داد؟

.....
.....

۱۹. کدام جمله به مذهب خانوادگی اشاره دارد؟

(a) زمانی که خانواده با یکدیگر کلام خدا را می‌خوانند و دعا می‌کنند.

(b) مکان مخصوصی در کلیسا که خانواده می‌توانند در آنجا با یکدیگر دعا کنند.

۲۰. اعضای خانواده مسیحی بیشتر با چه ویژگی شناخته می‌شوند؟

(a) حضور وفادارانه در کلیسا

(b) انجام آنچه که در زندگی‌شان درست است.

(c) تکریم و اطاعت از خدا در زندگی روزانه خود

۲۱. قسمت‌هایی از زندگی‌تان را که با معیارهای خدا برای محبت مطابقت ندارد در دفتر خود یادداشت کنید و از خدا بخواهید به شما برای ایجاد تغییرات ضروری کمک کند.

پاسخ پرسش‌های کاربردی

۱. (a) روابط خوب خانوادگی
(b) آرامش
(d) محبت به خدا
(f) انجام دادن کارها با هم
۱۲. (b) برای برقراری سازگاری‌های ضروری در ازدواج آمادگی بهتری خواهند داشت.
۲. به آنها کمک می‌کند از معلمان، شبانان و قوانین کشور خود اطاعت کنند.
۱۳. (b) با وجود اینکه می‌دانند رابطه آنها با والدینشان تغییر کرده است، اما همچنان به محبت کردن و احترام گذاشتن به آنها ادامه می‌دهند.
- (c) باید مسئولیت اداره خانواده خود را بپذیرند.
- (d) باید مانند افراد بالغ رفتار کنند و با تمامی اختلافاتشان نزد والدین خود نروند.
۳. پاسخ خودتان. باید دعا کنیم و کمک خدا را بطلبیم، باید به وظایف خود در خانواده وفادار باشیم تا باری بر دیگران تحمیل نکنیم و به دنبال راه‌هایی باشیم تا بتوانیم به هر نحو مفید واقع شویم.
۱۴. چهار مورد از این‌ها: اگر درباره مسائل مالی صحبت نکنند، منجر به مشاجره می‌شود. اگر مجبور باشند ساده‌تر از دیگران زندگی کنند، زن گله می‌کند. شوهر مایحتاج خانواده‌اش را تأمین نکند. شوهری که انتظار دارد، همسرش مایحتاج زندگی را تأمین کند.
۴. تأمین هزینه‌های تولد و رشد فرزندان.
۱۵. او پست‌تر از بی‌ایمان است.
۵. ابراهیم، ذکریا یا حنا
۱۶. (a) تمام افرادی است که نیاز خود به خدا را تشخیص نمی‌دهند.

۶. والدینشان آنها را درک کنند، محبت کنند، از آنها مراقبت کنند و آنها نیز احساس امنیت کنند.
۱۷. مسیح
۷. کلمات، مثال‌ها
۱۸. هر پدری باید خانواده خود را در پرستش رهبری کند.
۸. شخصیت و عادات‌های زندگی آنها در خانواده شکل می‌گیرد و درس‌هایی را (خوب یا بد) می‌آموزند که هرگز فراموش نخواهند کرد.
۱۹. α) زمانی که خانواده با یکدیگر کلام خدا را می‌خوانند و دعا می‌کنند.
۹. آموزش در خانواده
۲۰. c) تکریم و اطاعت از خدا در زندگی روزانه خود
۱۰. همراهی
۲۱. پاسخ شما
۱۱. هر یک از آنها باید به این موضوع فکر کنند که "چه چیزی برای ما بهتر است؟"